

مولفه های ایمان از دیدگاه شهید مطهری

فاطمه زهرا جعفری^۱

چکیده

ایمان حقیقت و نوری است که همه ادیان الهی انسان را به ایمان دعوت کرده نمودند اما در درجه اول، فطرت انسان است که از درون فریاد ایمان خواهی برآورده است. استاد مطهری از جمله متفکرانی است که در همه ابعاد دین اسلام نظرات ارزشمندی را ارائه داده است. از این رو، این پرسش مطرح می شود که مولفه های ایمان از نظر استاد مطهری به چه معناست؟ در پژوهش حاضر با مطالعه در آثار و یادداشت های استاد مطهری به این نکته دست یافتیم که از نظر ایشان ایمان معنا و اساس زندگی و هویت بخش برای انسان است. از جمله مولفه های ایمان؛ تقوا، معنویت، وجدان و آزادی انسان است. از نظر ایشان ایمان در تمامی ابعاد زندگی انسان اعم از فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی تاثیرگذار بوده و آسایش، آرامش و بهجت در زندگی از جمله آثار فردی ایمان است که به موجب کاهش درد، آلام انسان است. قطع به یقین حضور چنین فرد مومنی در جامعه نیز موجب آثار اجتماعی از جمله عمل به قوانین و اخلاق به صورت خودکنترل گرانه است. بنابراین ایمان نه تنها موجب آرامش فردی بلکه موجب نظم یافتگی در ابعاد گسترده تری است.

واژگان کلیدی: ایمان، مولفه، قرآن کریم، روایات، شهید مطهری.

^۱ طلبه سطح دو حوزه سیده النساء علیه السلام

مقدمه

ایمان آمیزه‌ای از تصدیق به دل، اعتراف به لسان و عمل به ارکان است. پیرامون موضوع ایمان در تاریخ تفکر اسلامی مباحث زیادی مطرح شده است اما این تحقیق سعی دارد بیشتر به ابعاد کاربردی و اجتماعی ایمان بپردازد. شهید مطهری به عنوان یکی از اندیشمندان و الهیات‌دانان معاصر ایران، ایمان را فلسفه زندگی بشر و یگانه حلال دردها معرفی می‌نماید. به نظر می‌رسد با خواندن مجموعه دیدگاه‌های ایشان در این زمینه می‌توان به این نتیجه رسید که ایمان می‌تواند در همه ابعاد زندگی نقش آفرین باشد نه این که تنها به عنوان یک امر مقدس و متبرک تصور شود.

آنچه امروزه بسیار درباره‌اش سخن گفته می‌شود و به عنوان یک دغدغه درآمده است این است که: دوران حاضر، دوران دلهره‌ها و سرگشتگی‌های انسانی و آسایش‌های بدون آرامش است. دورانی که انسان در شناخت موقعیت خود و جهت‌یابی برای حرکت در مسیر زندگی دچار مشکل و انحراف شده است. حال با توجه به تأثیرات ایمان در زندگی انسان، بررسی آراء متفکرین معاصر نیز می‌تواند راه گشا و ایده و الگوی مناسبی برای نسل حاضر و نسل‌های بعد باشد. از این رو ضروری است که در این پژوهش به ایمان و مولفه‌های کاربردی فردی و اجتماعی آن در آراء شهید مطهری پرداخته و تبیین شود. چنانکه اگر مردم با کاربرد ایمان در زندگی آشنا شوند بیش از پیش می‌توانند به آن عمل کرده و آن را تقویت نمایند. در این حوزه پژوهش‌هایی به نگارش درآمده است که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. رابطه علم و ایمان از نظر مرتضی مطهری و عبدالله جوادی آملی، از فاطمه علی قربانی، است که در پایان‌نامه مذکور ابتدا به تعریف علم و ایمان پرداخته شده است، سپس دیدگاه دو متفکر یاد شده درباره رابطه علم و ایمان مورد بررسی قرار گرفته است. استاد مطهری و استاد جوادی آملی، هر دو در تعاریف علم و ایمان و رابطه آنها نظرات همسویی با یکدیگر دارند.

۲. ارتباط ایمان و عقلانیت از منظر استاد مطهری و دکتر نصر، از الناز طرزی است که در این پایان‌نامه به بررسی نظر استاد مطهری و دکتر نصر درباره رابطه ایمان و عقلانیت پرداخته شده

است. هر دو متفکر معتقدند بین عقل و ایمان همیاری و دادوستد عمیقی وجود دارد و این دو در راستای هم هستند و رابطه‌شان را رابطه لازم و ملزومی معرفی می‌کنند.

۳. مفهوم‌سازی استاد مطهری از ایمان، احمد فرامرزی قراملکی و فرشته ابوالحسنی نیارکی؛ در این پژوهش به تحلیل انتقادی دیدگاه استاد مطهری درباره ایمان پرداخته شده است.

اما تفاوت پژوهش حاضر با تحقیقات مذکور در این است که، موضوع ایمان و همه مولفه‌های آن با تأکید بر دیدگاه استاد مطهری مورد واکاوی قرار می‌گیرد. از این رو پژوهش حاضر به نظرات شهید مطهری و آراء ایشان حول محور مولفه‌های ایمان از جمله تقوا، آزادی، وجدان و ... و آثار فردی و اجتماعی آن خواهد پرداخت و به نظر میرسد آثار فردی نظیر؛ آسایش و لذت و پیشگیری از آلام و مولفه‌ها و آثار اجتماعی‌ای به مثابه قانون و اخلاق را در خود جای داده است. در ضمن لازم به ذکر است که پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و از طریق مطالعات کتابخانه‌ای به دست آمده و نگاشته شده است.

۱- مفهوم‌شناسی

نخست لازم است به بیان مفاهیم اصلی پرداخته شود.

۱-۱ مفهوم ایمان

واژه ایمان مشتق از ریشه «امن»^۱، به معنای آرامش، اطمینان قلب و نبود ترس است. ایمان بر وزن افعال و فعل ثلاثی مزید آن «أَمَنَ»، «يُؤْمِنُ» است، اگر متعدی به «با» و «لام» باشد مثل: «وَمَا أَنتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَ لَوْ كُنَّا صَادِقِينَ»^۲ «تو ما را هر چند راستگو باشیم باور نمی‌داری» در باب افعال به معنای «صار»، در جمله «صارَ ذا أَمْنٍ، دارای امنیت شد»، می‌باشد.^۳ در بیانی کامل‌تر ایمان در لغت،

^۱ قرشی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۲۳؛ مطهری، یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۱، ص ۵۰۲.

^۲ سوره یوسف، آیه ۱۷۲.

^۳ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۹۱؛ مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ص ۲۷.

به معنای آرامش قلبی، ایمنی، خاطر جمع بودن، تسلیم تَوَام با اطمینان خاطر^۱ و تصدیق آمده است.^۲ در کتاب لسان العرب نیز علاوه بر معانی فوق، ایمان را مخالف ترس، ضد خیانت و ضد کفر معنا شده است.^۳

از دیدگاه لغت شناسان ایمان به معنای: «اظهار خضوع و قبول شریعت و آنچه نبی اکرم صلی الله علیه و آله آورده و اعتقاد به آن و تصدیق به قلب است؛ پس هرکس بر این صفت باشد او مؤمن است.»^۴ ایمان فقط به معنای اعتقاد و تصدیق نیست، بلکه همراه با تسلیم است. مؤمن کسی است که بعد از اعتقاد به حق، به عقیده‌اش تسلیم باشد و آن قهراً با عمل تَوَام است و بدون آن مصداق ندارد.^۵

بنابراین، ایمان در نظر لغت شناسان به معنای؛ آرامش، اطمینان، امنیت دادن، تسلیم بودن و ... است. در ادامه به تعریف اصطلاحی ایمان از منظر فلاسفه و دیگر صاحب نظران خواهیم پرداخت.

۲-۱ مفهوم ایمان در قرآن کریم

همانطور که بیان شد، ایمان از ماده «امن» و به معنای امنیت دادن است و در اصطلاح؛ ایمان به معنای قرار گرفتن و استوار شدن عقیده در قلب است و احتیاج به لفظ ندارد، و لفظ برای تثبیت آن است.^۶ از جمله آیاتی که ایمان بدین معنا استعمال شده است این آیه است: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ»^۷ خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند بخاطر گفتار و اعتقاد ثابتشان ثابت قدم می‌دارد»

^۱ قرشی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۲۳.

^۲ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۳؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۲۰۴؛ راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ۹۰.

^۳ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۱.

^۴ همان، ص ۲۳.

^۵ قرشی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۲۵.

^۶ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۷۳، ص ۷۲۰؛ آزادیان، آموزه نجات از دیدگاه علامه طباطبایی: با نگاهی به دیدگاه رایج مسیحیت، ص ۱۸۵.

^۷ سوره ابراهیم، آیه ۲۷.

بیان این نکته ضروری است که ایمان به معنای خاص یکی از فرائض و واجبات است بلکه ستون و اصل همه اعمال نیز میباشد. البته تعریف ایمان از دیدگاه حکما متکلمان و فلاسفه متفاوت است. فیلسوفان بر این باورند مومن کسی است که عقایدش با واقعیات هستی تطابق دارد و هرچه انطباق این عقاید با واقعیات هستی، مستقیم‌تر و بی پرده تر باشد ایمان او کامل تر است.^۱

از سوی دیگر، در بیان ائمه اطهار نیز می‌توان به معنای ایمان دست یافت. چنان که از امیرالمؤمنین(ع) سؤال شد: ایمان چیست؟ فرمودند: «الایمانُ مَعْرِفَةُ بِالْقَلْبِ وَ اِقْرَارُ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْاَرْكَانِ»^۲ ایمان با سه چیز محقق می‌شود: اعتقاد قلبی، اقرار به زبان و عمل با اعضا و جوارح.^۳

قرآن کریم نیز به عنوان منبع اصلی مباحث دینی و کلامی، در آیات بسیاری به مسأله ایمان، درجات و آثار آن پرداخته است. در قرآن آمده است؛ وقتی اعراب گفتند که ما قلباً ایمان آوردیم خداوند به پیامبر فرمود: به آنها بگو ایمان نیاورده‌اند بلکه بگویند اسلام آورده‌ایم (یعنی درظاهر شهادتین گفته‌اند)^۴ چنان که قرآن می‌فرماید: ایمان، زمانی ایمان است که رها شدن از خود و تابع حق و عدالت بودن را در پی داشته باشد.^۵

از این آیه چنین برداشت می‌شود که تسلیم دارای سه محدوده (تسلیم قلبی، تسلیم عقلی و تسلیم تنی) است، حال ممکن است شخصی به لحاظ عقلی در قبال یک اندیشه تسلیم شود اما روحش تسلیم نشود که در چنین حالتی فاقد ایمان است. حقیقت ایمان تسلیم دل و جان است و قلب صاحب ایمان باید نسبت به حقیقت خاضع باشد.

^۱ صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۴۹.

^۲ سیدرضی، نهج البلاغه، حکمت ۲۲۷؛ شعیری، جامع الاخبار، ص ۳۵.

^۳ مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۵، ص ۴۳۶، کتاب احیای تفکر اسلامی.

^۴ سوره حجرات، آیه ۴.

^۵ مطهری، مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۵، ص ۸۶۳.

با توجه به آنچه بیان شد، روشن می‌شود که آنچه معمولاً گفته میشود که اخلاق در جامعه ضامن اجرایی ندارد، سخن بیهوده‌ای است، چراکه ایمان یکی از ضامن های اجرایی شدن اخلاق در سطح جامعه است. ایمان به سبب تقویت اعتقاد، اخلاق را کنترل، حفظ و تقویت می‌نماید.

نتیجه گیری

در جمع‌بندی مباحث مربوط به ضرورت ایمان مطلق و از آن بالاتر ایمان مذهبی شفاف و صریح در زندگی فردی و اجتماعی می‌توان گفت مطلق ایمان ضروری است چرا که انسان در این دنیا باید عقیده و مسلکی برای پیروی داشته باشد تا سرگردان نباشد و این ضرورت در جامعه رو به فردیت امروز، بیشتر احساس می‌شود. مقدسات بشرانسانیت بشر و طبیعت سرکش او در گرو ایمان اوست اما هر عقیده و ایمان و مسلکی مقدس نیست و شایستگی از خودگذشتگی ندارد. اینجاست که دین می‌آید و انسان را به ایمان ارزشمند و هدفی عالی رهنمایی می‌کند که شایستگی دارد انسان به‌خاطر آن و با آن زندگی کند و در راه آن جان دهد. این همان ایمان است که بالاترین ارزش زندگی و حق و اصیل است. همان ایمانی است که در اسلام هدف است نه وسیله. ایمانی که تنها توشه‌ی اخروی ماست حتی تقوا که برترین توشه آخرت است مبنایش آن ایمان به خداست. مبنای نبوت و امامت ما نیز همین ایمان است، چراکه این ایمان را مساوی قرار داده‌اند با دوستی عزیزترین بندگان خدا یعنی پیامبر و آل پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است که خود نماد و علم ایمانت همه این‌ها بار دیگر ناچار بودن انسان از انتخاب این گزینه‌ها را برایش قطعی می‌سازد.

از همه آنچه گفته شد نتیجه می‌گیریم ایمان مذهبی، آثار فردی، درونی و بیرونی بسیاری دارد. ایمان چه از نظر کاهش و رفع ناراحتی‌های ضروری که لازمه ساختمان این جهان است چه از نظر نیکو ساختن روابط اجتماعی و محور وحدت و هم‌بستگی بودن و چه از نظر تولید بهجت و وقار و آرامش و سلامتی آثار نیک فراوان دارد ایمان پشتوانه اخلاق و مایه اصلاح بینش و شخصیت انسان‌هاست.

استاد مطهری ایمن را به معنای وسیع کلمه و فراتر از ایمان مذهبی لازمه زندگی بشر دانسته و بر ضرورت آن به مثابه رکن هویت بخش و تأثیرگذار بر انسانیت تاکید می‌کند. ایشان علاوه بر اینکه ومومنان می‌بایست ایمان را دارا باشند و به مقام بالای آن دست یابند، داشتن ایمان را برای تمامی انسان‌ها لازم دانسته و انسان بدون ایمان را فردی مردد یا خودخواه خطاب می‌کنند. ایشان توسل به ایمان را تنها راه برون رفت انسان از بحران‌های سخت و جانکاه می‌دانند. از سویی دیگر

نیاز انسان به هدایت از سوی خداوند نیز دلیل مویدی است که ایمان مذهبی نیز در زندگی انسان نه تنها مانع آزادی اختیار او نخواهد شد، بلکه آثار فردی و اجتماعی را خواهد داشت. از جمله آثار فردی را می‌توان کاهش و رفع آلام و دردها، پیشگیری از آن‌ها، آسایش و لذت و بهجت و آثاری دیگری در راستای شخصیتی متفاوت و متکی به خداوند را نام برد. و از سوی دیگر، ایمان به مثابه پشتوانه‌ای قانونی و اخلاقی می‌تواند سبب بهبود روابط اجتماعی در میان جوامع شود.

منابع

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

کتب فارسی

۱. آزادیان، مصطفی، آموزه نجات از دیدگاه علامه طباطبایی: با نگاهی به دیدگاه رایج مسیحیت، (چاپ اول)، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵ ش.
۲. انصاریان، حسین، عرفان اسلامی (شرح جامع مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه)، (چاپ اول)، تهران: انتشارات پیام آزادی، ۱۳۶۸ ش.
۳. طباطبایی، محمدحسین، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران: صدرا، ۱۳۹۰ ش.
۴. _____، بررسی های اسلامی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش.
۵. _____، تفسیر المیزان، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۸ ش.
۶. _____، ترجمه تفسیر المیزان، محمدباقر موسوی، (چاپ ۵)، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۷. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۸. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، تهران: صدرا، ۱۳۵۸ ش.
۹. _____، ده گفتار، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۲ ش.
۱۰. _____، صدگفتار: خلاصه آثار شهید مطهری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۹ ش.
۱۱. _____، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۸۹ ش.
۱۲. _____، هدف زندگی (به ضمیمه تکامل اجتماعی) قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۱۳. _____، یادداشت های استاد مطهری، (چاپ سوم)، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۸ ش.
۱۴. هادوی نیا، علی اصغر، انسان اقتصادی در اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳ ش.

کتب عربی

۱۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى، ۱۴۰۸ق.

۱۶. حرّانی، ابن شعبه، تحف العقول، ترجمه محمدباقر کوه کمره‌ای، (چاپ ششم)، تهران، انتشارات کتابچی، ۱۳۷۶ش.

۱۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۶ق.

۱۸. سیدرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، مشهد، قم: مشهور، ۱۳۷۹ش.

۱۹. شعیری، تاج الدین، جامع الاخبار، قم: رضی، ۱۴۰۵ق.

۲۰. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، قم: بیدار، ۱۳۶۶ش.

۲۱. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، (چاپ سوم)، تهران، المكتبة المرتضوية، ۱۳۷۵ش.

۲۲. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، سوم، طهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۱ش.

۲۳. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، (چاپ دوم)، تهران: المكتبة الاسلامیة، ۱۴۱۲ق.

مقاله

۲۴. حمیدیه، بهزاد، کاوشی معناشناختی در معنویت، نشریه مطالعات عرفانی، شماره ۲۴،

پاییز و زمستان، ۱۳۹۵ش.